شکر و گفتم ز گریز برسم   گریز بر سر ... که ...

[illegible]

گفتم این خال سیه ... که ... فلفل ... بر ...

[illegible]

دیدم ... رفت ... دل   ای ... دو رخ ... کار دل

[illegible]

گفتم این خال سیه ... گفت   با ... عشق ... می‌کند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خوش آنکه ازدر مجلس مستانه آن جگر آمد مستانه دیگر کنم آن جام دیگر نه

[illegible]

سیاسی در بازار محبت جای کی که در ره محبت ما عزیزان بی گناهی است

[illegible]

خوش آنکه تبسم کنی و میرقصیم دل کامی بکنی غلط وکامی بکنم

[illegible]

در بهاران ایه مرگی ای است ... که داده که این باغ از کی است

[illegible]

[illegible]

بند ششم

[illegible]

بند هفتم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قد و عارض و چشم و ابرو زلف و خال
هست در راه من طلسم [illegible]

همچو چشم دلبر از نوش لب
جام از خون می [illegible] طرب

هر کو پیشه اندر بن فاش کرد بخند جنبش افشان پیشه ... در ...

[illegible]

كتاب وسيلة النجاة

حجة الاسلام والمسلمين رئيس الملة والدين آية الله في العالمين
اعلم العلماء والمجتهدين رئيس الشيعة محي الشريعة العلامة الثاني

السيد ابو الحسن الموسوي الاصفهاني

ادام الله تعالى ظله على رؤس الأعلام وحفظ بوجوده
الشريف كلمة الاسلام ومتعنا الله بطول
بقائه آمين يارب العالمين

الطبعة السادسة